

۱ غرایز انسانی،

دفتر همکاری حوزه و آموزش و پرورش
تدوین: محمد مهدی فجری



کشانده و گاه این جاذبه به حدی است که اگر بدون دقت و برنامه ریزی رها شود، قوای دیگر را تحت الشعاع قرار داده، زندگی و روابط انسان را از حالت طبیعی خارج می‌سازد.

غریزه که در روان‌شناسی به صاعقه تعبیر شده است، به معنای سرشت و طبیعت می‌باشد.^۱ در مقابل غریزه که بیشتر مربوط به حیوان و خواسته‌های حیوانی انسان است، لغت فطرت مطرح است.

چنانچه غرایز در وجود انسان

دین مبین اسلام کامل‌ترین دین است که به تمام نیازمندیهای انسان بر اساس مصالح و مفاسد او توجه کرده است. بر همین اساس، برای مقابله با سه اسارت فکری، روحی و جسمی انسان، راهکارهایی را ارائه داده تا هیچ‌گاه انسان در بند آن اسارت‌ها گرفتار نیاید و آن بندها، انسان را از راه رشد و ترقی باز ندارد. یکی از آن اسارتها مربوط به قوای غریزی انسان است که در عین ضرورت آن برای بعد جسمانی انسان، از حساسیت خاصی برخوردار است؛ چراکه هر یک از آن قوای غریزی انسان را به سمت و سوی خویش

۱. لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش، ج ۳۶، ص ۱۹۰.

امری طبیعی و غیر قابل انکار است، فطریات نیز لازمه وجود بشر است. تعلیمات اسلامی نیز بر اساس یک سلسله فطریات بنا شده است؛ یعنی همه آن چیزهایی که امروزه مسائل انسانی و ماورای حیوانی نامیده می‌شوند و اسم آنها را ارزشهای انسانی می‌گذاریم، از نظر معارف اسلامی ریشه در نهاد و سرشت انسان داشته و قرآن مجید تأکید فراوانی بر آن کرده است.

آنچه می‌توان به عنوان فرق بین فطرت و غریزه مطرح کرد این است که فطرت در مورد انسان و خواسته‌های ماورای حیوانی استفاده می‌شود؛ اما غریزه در مورد حیوان یا خواسته‌های حیوانی انسان به کار برده می‌شود. به دیگر سخن، همان‌گونه که دلایل عقلی و منطقی به انسان جهت می‌دهد، درون جان او نیز کششها و جاذبه‌هایی وجود دارد که گاهی آگاهانه و گاه ناخودآگاه برای او تعیین جهت می‌کنند. در جاذبه‌های ناخودآگاه، نیازی به وساطت عقل و شعور نیست؛ چنان‌که حیوان بدون نیاز به تفکر به سوی غذا

و جنس مخالف جذب می‌شود؛ اما گاهی جاذبه آگاهانه و با اثر پذیری از عقل و اندیشه است. معمولاً قسم اول را «غریزه» و قسم دوم را «فطرت» می‌نامند.

ویژگیهای فطرت

از دیدگاه قرآن مجید فطرت دارای ویژگیهایی است که عبارت‌اند از:

۱. معرفت و آگاهی و بینش فطری انسان تحمیلی نیست، بلکه در نهاد او تعبیه شده است.

۲. با فشار و تحمیل نمی‌توان فطرت را زائل کرد و لذا تغییرپذیر نخواهد بود و به عبارت دیگر، ثابت و پایدار است؛ هر چند ممکن است تضعیف شود.

۳. فطرت فراگیر و همگانی است؛ چون حقیقت هر انسانی با این واقعیت سرشته شده است.

۴. چون بینش و گرایش انسان متوجه هستی محض و کمال مطلق است، از ارزش حقیقی برخوردار بوده، ملاک تعالی اوست و از این رهگذر، تفاوت بین انسان و سایر

جانداران باز شناخته می‌شود.^۱

شناخت غرایز اصلی بشر

به طور کلی غرایز اصلی بشر به دو گونه تقسیم شده است:

الف. تقسیم آن با توجه به همراهی یا عدم همراهی با انگیزه‌های روانی:

۱. در کنار برخی غرایز انگیزه‌های روانی وجود ندارد، مثل نیاز انسان به اجابت مزاج که پس از رفع آن هیچ تمایلی در او باقی نمی‌ماند.

۲. در کنار برخی غرایز، انگیزه روانی وجود دارد، مثل امور جنسی که اگر زمینه مساعدی برای پیشروی ببیند، در هیچ حدی متوقف نمی‌شود.^۲

ب. تقسیم آن با توجه به وابستگی به جسم یا روح:

۱. غرایزی که صد در صد وابسته به جسم است، مثل غریزه گرسنگی، غریزه تشنگی و غریزه جنسی.

۲. غرایزی که صد در صد وابسته به جسم نمی‌باشد، مثل میل به فرزند داشتن، برتری طلبی، قدرت طلبی، حقیقت خواهی و حقیقت جویی که در روان‌شناسی به «امور روحی»

معروف‌اند.^۳

بنابراین دو تقسیم، برخی از غرایز اصلی بشر عبارت‌اند از:

۱. حب بقا

انسان ذاتاً دوست دارد که همیشه باقی باشد. این علاقه به بقاء براساس اختلاف عقاید، نمودهای مختلفی پیدا می‌کند. حرص و آز، علاقه شدید به عمر دراز، آرزوهای طولانی و تنفر از مرگ، جلوه‌هایی از علاقه انسان به جاودانگی و بقا در دنیا است. قرآن مجید در مورد این میل و خواسته که در یهودیان دنیا دوست بسیار قوی بوده است می‌فرماید: ﴿وَلَسْتَ جَدِّتَهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْخِرِجِهِ مِنَ النِّقَابِ﴾^۴ «و آنها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر

۱. فطرت در قرآن، آیه الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۲، ص ۲۶.

۲. برگرفته از: مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۶۶۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۸۴.

۴. بقره / ۹۶.

ماند و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود و آنان را در سایه‌های گسترده [و فرح بخش] جای می‌دهیم.»
۲. تفوق و قدرت طلبی

تفوق طلبی، برتری جویی و قدرت طلبی، یکی دیگر از غرایز طبیعی و از تمایلات مهم انسانی است. این غریزه از عوامل قدرتمند محرک و از قوی‌ترین انگیزه‌های درونی آدمی می‌باشد. چنانچه به شایستگی از آن بهره‌برداری گردد، نقش فراوانی در ترغیب و تشویق انسان برای پی‌گیری اهداف و مقاصد عالی انسانی ایفا می‌کند و عامل نیرومندی برای تداوم حرکت و مصونیت از توقف به حساب می‌آید.

اما این غریزه نیز همچون سایر امور معنوی و پدیده‌های مادی همواره مورد تهدید آفات زیانبار داخلی و خارجی است و استفاده ناصحیح و افراط و تفریط در راستای پاسخگویی به آن، می‌تواند بسیار خطرناک باشد. البته هر قدر دایره معلومات انسان

زندگی [این دنیا] خواهی یافت؛ [تا آنجا] که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود؛ در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر [الهی] باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست.»

از سوی دیگر، تحمل ریاضتهای دشوار، مجاهدتها، فداکاریها، زهد و تقوا و تلاشهای خستگی‌ناپذیر معنوی، از وجود این غریزه در نهاد مؤمنان و خواسته طبیعی آنان برای خلود و بقا در بهشت حکایت دارد. این میل به خلود و بقا در قیامت تأمین شده، بهشت خالد را برای انسان رقم می‌زند. خداوند متعال خلود در قیامت را پاسخی برای تمایل انسانی به بقاء قرار داده و به مؤمنان چنین وعده می‌دهد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَنُحِبُّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجًا مُطَهَّرَةً وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا»^۱ «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به زودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نه‌رها از زیر درختانش جاری است، همیشه در آن خواهند

فرما که برای هیچ کس دیگری پس از من روا نباشد.»

اما اگر قدرت و ریاست طلبی به قصد تسلط بر مردم باشد، از جمله مواردی است که اسلام، انسان را از نزدیک شدن به آن بر حذر داشته و آفات آن را گوشزد نموده است. قرآن مجید غرور و نخوت فرعون را که ناشی از این غریزه است، این گونه بیان می‌دارد:

«أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ
تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟»^۱ [ای قوم
من! آیا حکومت مصر از آن من
نیست، و این نهرها تحت فرمان من
جریان ندارد؟! آیا نمی‌بینید!؟]

و در جایی دیگر سرمستانه ادعای
خدایی می‌کرد و می‌گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ
الْأَعْلَى»^۲ «من بالاترین رب [و صاحب
اختیار] شما هستم.»

۳. محبت خواهی

مهر و محبت از نیازهای طبیعی و

توسعه می‌یابد، بر تمایل و علاقه‌اش
نسبت به دست‌یابی به تفوق و قدرت
بیشتر می‌گردد تا آنجا که مایل است
همه چیز و همه کس را تحت سیطره و
قدرت خویش در آورد. قرآن مجید نیز
از زبان شیطان به این غریزه ذاتی اشاره
می‌کند؛ آنجا که شیطان برای فریفتن
حضرت آدم علیه السلام با توجه به میل ذاتی،
خطاب به او می‌گوید: «يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ
عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَ مَلَكَ لَا يَنْبَغِي»^۱ «ای
آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت
زندگی جاوید و مُلکی بی زوال
راهنمایی کنم؟»

توجه به این مطلب ضروری
است که تفوق و قدرت طلبی با هدف
حفظ دین خدا و ترویج آیین حق، نه
تنها مانع ترقی و تعالی انسان نمی‌شود،
بلکه در برخی موارد مثل اطاعت از
امام و احقاق حقوق و حفظ آبرو و
حیثیت مردم و... بسیار پسندیده و
مورد تأکید می‌باشد؛ چنانچه حضرت
سلیمان علیه السلام از خداوند قدرت فوق
العاده طلب می‌کرد و به تعبیر قرآن
می‌گفت: «وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ
بَعْدِي»^۲ [خدایا] به من قدرتی عطا

۱. طه / ۱۲۰.

۲. ص / ۳۵.

۳. زخرف / ۵۱.

۴. نازعات / ۲۴.

ذاتی انسان بوده و در تأمین سلامت روحی و حتی جسمی آدمی نقش بسزایی ایفا می‌کند. بسیاری از مشکلات روحی و روانی و آسیبهای اجتماعی افراد در اثر کمبود این غریزه ذاتی به وجود می‌آید.

همه انسانها در پی محبوب واقع شدن می‌باشند؛ البته این که محبوب چه کسی و با چه انگیزه‌ای قرار گیرند، بستگی به میزان معرفت و شناخت آنها دارد. اهل ایمان به دنبال آنند تا محبوب خدا و معصومین علیهم‌السلام باشند و قرآن کریم با توجه به این علاقه مؤمنان، راه محبوب شدن در پیشگاه الهی را برای آنان بیان کرده و می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.»

این گونه افراد فقط در پی محبوبیت در پیشگاه خداوند هستند و به چیزی جز آن فکر نمی‌کنند.

در مقابل، برخی به دنبال

محبوبیت نزد دیگران هستند و برای این محبوبیت، هیچ محدودیتی را نمی‌پذیرند و حتی حاضرند برای رسیدن به آن، هر خفت و خواری را تحمّل کرده و هر عملی را انجام دهند. البته چنین افرادی سرنوشت بدی خواهند داشت. رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ مَحَابِدَ النَّاسِ بِمَعَاصِي اللَّهِ عَادَ حَامِدُهُ مِنْهُمْ ذَامًا وَمَنْ أَرْضَى النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ؛^۱ هر که بخواهد ستایشهای مردم را با معصیتهای خدا به دست آورد، ستاینده او به نکوهنده‌اش تبدیل شود و هر که با ناخشنود کردن خدا مردم را خشنود کند، خداوند او را به آنان واگذارد.»

۴. محبت به فرزند

محبت به فرزند از دیگر غرایز بشری است که افراط و تفریط در آن عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت. کودکی که به طور صحیح و به اندازه کافی از مهر و عطوفت مادر برخوردار است، دارای روانی شاد و روحی پر نشاط و ضمیری امیدوار

۱. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۵، ص ۲۱۰۲.

فراوان دانشمندان، از این غریزه مهم ناشی می‌شود.

۷. غریزه جنسی

این غریزه نیز یکی از کششهای مهم نفس آدمی است که ریشه در غریزه لذت جویی دارد. علاقه به همسر داری و میل به بهره‌مندی از لذایذ جنسی، لازمه ساختمان وجودی انسان و جزء لاینفک آن است. از سوی دیگر رها کردن بی‌قید و شرط این محرک پر نیرو نیز به منزله غفلت از حرکت سیل خروشان است که دیر یا زود همه چیز را از جا کنده، به همراه خویش خواهد برد.

۸. حب مال

حب مال از جمله غرایزی است که بشر در پی آن بوده است. قرآن مجید در آیات متعددی این علاقه بشری را مورد تصریح قرار داده است؛ چنانکه می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۱ «محبت

است و در طول حیات از آرامش و اعتدال منطقی بهره‌مند خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَسُدَّ حُبَّهُ لَوْلَا»^۱ به راستی خداوند بنده [خود] را به خاطر شدت علاقه و محبتش به فرزند خویش مورد ترحم [و لطف خاص] قرار می‌دهد.»

با این همه، مهرورزی و ابراز علاقه به فرزندان، نباید مصالح واقعی آنان را تحت الشعاع قرار دهد.

۵. صیانت نفس

انسان خود را دوست داشته، میل دارد که زندگی‌اش همیشه باقی باشد. حب نفس و نیز علاقه به جاودانگی، او را وامی‌دارند که از جان و کیان و ارزشهای خویش دفاع کند. البته این غریزه مهم انسانی از غریزه حب بقا سر چشمه می‌گیرد.

۶. کنجکاوی

این غریزه مهم نیز ریشه و منشأ بسیاری از فعالیتهای فکری و فرهنگی انسان بوده، هدایت یا انحراف از آن نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت او ایفا می‌کند. پیشرفتهای شگفت‌انگیز علم و دانش، اختراعات و اکتشافات

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۳.
۲. آل عمران/ ۱۴.

۹. و... دیگر غرایز

غریزه تشنگی و گرسنگی، حب لذت و... از دیگر غرایزی است که استفاده صحیح از آن زمینه ساز ترقی و تکامل، و افراط و تفریط در هر یک، منشأ بسیاری از مفاسد خواهد بود.

نتیجه آنکه انسان به اقتضای وجود غرایز و به تناسب شدت و ضعف هر یکی از آنها در سنین مختلف و شرایط گوناگون، اعمالی را انجام می‌دهد که هر یک تأمین‌کننده بخشی از خواسته‌ها و نیازهای طبیعی اوست. دستیابی به مقاصد والای انسانی، و سلامت و امنیت زندگی در گرو پی‌گیری دقیق اهداف تعیین شده در زندگی و عملکرد صحیح غرایز است. گزینش مسیری درست به منظور هدایت صحیح غرایز، نیازمند فکر و اندیشه‌ای سالم، همتی بلند و عزمی راسخ است تا در سایه تعالیم

شهوات، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است. اینها سرمایه زندگی دنیا است.»

مقادیر زیاد طلا و نقره، اسبها و چهارپایان، کشت و زرع، همگی از مصادیق مالند و همه در نظر انسانها، زینت داده شده، انسان را به سوی خود جذب می‌کنند.

این غریزه نیز اگر در راه صحیح و مشروع قرار گیرد، مطلوب است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَنَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَنْفِضِي بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلُ بِهِ رَحْمَةً»^۱ در کسی که دوست نداشته باشد از راه حلال مال گرد آورد تا به وسیله آن آبرویش را نگه دارد و بدهکاریش را بپردازد و صله ارحام به جا آورد، خیری نیست.»

در مقابل، افراط در مال دوستی، مورد نکوهش قرار گرفته است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الْمَالِ يَقْوِي الْأَمَالَ وَيُفْسِدُ الْأَعْمَالَ»^۲ مال دوستی آرزوها را تقویت می‌کند و اعمال را تباه می‌سازد.»

۱. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۷۲.

۲. غرر الحکم و دررالکلم، محمد تمیمی آمدی، تصحیح و ترجمه میرجلال الدین حسینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۹۶.

فعالیت و دامنه قلمرو نفوذ، بخشی از فعالیت‌های آدمی تحت تأثیر کشش و نیروی ویرانگر قرار گرفته، مفسد عظیمی را به همراه خواهد داشت.

به عنوان مثال اگر بقاء زندگی و تأمین سلامتی آدمی به برکت پاسخ صحیح به گزینه گرسنگی و تشنگی میسر می‌گردد، قساوت قلب و بیماری‌های روزافزونی که سراسر جهان را دستخوش آثار تباہ کننده خود ساخته نیز از آثار پرخوری و ارضای نادرست این گزینه است. و اگر تشکیل خانواده و به جریان افتادن طبیعی تولید نسل و بقاء نوع انسان در پرتو وجود گزینه جنسی و به میمنت این کشش نیرومند امکان پذیر گشته، گسترش فساد اخلاقی، مفسد نکبت بار، بی بند و باری و پایمال شدن شرافت و منزلت انسانی - که جهان را در معرض تباہی و سقوط قرار داده - از پی آمدهای انحراف خطرناک همین گزینه می‌باشد.

و اگر انگیزه صیانت نفس، انسان را به دفاع از خویش برانگیخته و در مقابل ظلم و جنایت پایداری

توجه به این مطلب ضروری است که تفوق و قدرت طلبی با هدف حفظ دین خدا و ترویج آیین حق، نه تنها مانع ترقی و تعالی انسان نمی‌شود، بلکه در برخی موارد مثل اطاعت از امام و احقاق حقوق و حفظ آبرو و حیثیت مردم و... بسیار پسندیده و مورد تأکید می‌باشد

سازنده دین، و بهره‌مندی از فرهنگی همسو با فطرت، خطوط اصلی زندگی را ترسیم نموده و زمینه تأمین نیازها و پاسخ درست به خواسته‌های طبیعی را در پرتو عمل صحیح غرایز فراهم آورد.

با انحراف هر یک از غرایز از مسیر طبیعی، به تناسب محدوده

می‌بخشد، بسیاری از تجاوزات، جرائم، ستمگریها و حتی استثمار و استکبار، ریشه در انحراف این غریزه دارد.

پس انسان در هر مرتبه و مقامی که باشد، پیوسته از ناحیه تمایلات و هواهای نفسانی و طغیان غرایز و بیراهه رفتن عواطف و احساسات در معرض خطر است.

ریشه غرایز

اصلی‌ترین انگیزه و کششی که از نفس آدمی سرچشمه می‌گیرد و ریشه و اساس جمیع گرایشها و خصیلت‌های موجود در نفس اوست، حب نفس است. همچنان‌که عشق به خدای متعال و پرستش او از گرایشهای فطری انسان محسوب می‌شود، خود دوستی و حب نفس را نیز می‌توان از اصلی‌ترین غرایز آدمی دانست. شور و نشاط، فعالیت‌های حیرت‌انگیز، حس رقابت، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و چرخش و رونق زندگی، عمدتاً بر وجود غریزه حب نفس استوار است.

البته همان‌طور که این غریزه ریشه جمیع غرایز انسانی است،

هدایت و ارضای صحیح آن منشأ اصلاح سایر غرایز می‌گردد و زمینه شایستگی فرد و جامعه را فراهم می‌آورد. انحراف از آن نیز سرچشمه بسیاری از مفاسد فردی و اجتماعی و باعث پیدایش و ظهور صفات ناپسند زیادی در انسان خواهد گشت. خود بزرگ‌بینی، خود پسندی، خودخواهی، انتقاد ناپذیری و دهها مفسده و پیامد ضد ارزشی دیگر، از آثار و عواقب شوم انحراف در این کشش ذاتی به حساب می‌آید.

مهم‌ترین غرایز

از دیدگاه فروید و پیروان او مهم‌ترین و اساسی‌ترین غریزه، غریزه جنسی است. آنها اخلاق جنسی را مانع رشد استعدادهای انسان می‌دانند و معتقدند که باید غرایز آزاد گذاشته شود.^۱ اسلام عزیز ضمن تأیید قوه غریزه جنسی در وجود انسان، آن را مهم‌ترین غریزه نمی‌داند، بلکه آن را جزء نیازهای مقدمی می‌داند و با این حال، حساسیت ویژه‌ای برای آن قائل

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۶۴۴.

علت، وقتی از یکی از علمای خود ساخته درباره حب مال و حب جاه پرسیده می‌شود، پاسخ می‌دهد که من از این چیزها گذشته‌ام و در من تأثیری ندارد؛ اما در پاسخ به این سؤال که آیا اگر با زن نامحرمی تنها باشید، تأثیری در شما دارد؟ می‌فرماید: به خدا پناه می‌برم.

مؤید دیگر در اهمیت این غریزه آن است که سخت‌ترین حد از حدود الهی برای زنانی محصنه مقرر گردیده است؛ در حالی که این حد با مسافرت و یا عدم دست‌رسی به همسر و برخی عوامل دیگر، به میزان چشم‌گیری مورد تخفیف قرار گرفته است. از همین روست که از جاذبه‌های جنس مخالف و آفات و خطراتی که حاصل آن است، به «کید عظیم»^۳ تعبیر شده است.

ادامه دارد....

است؛ چرا که غریزه جنسی نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان دارد و افکار، گفتار و کردار او را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

از دیدگاه اسلام، علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه پاسخگویی صحیح به آن، جزء خلق و خوی انبیای الهی نیز هست؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ»^۱ دوست داشتن زنان از اخلاق پیامبران صلوات الله علیهم بوده است.

و نیز می‌فرماید: «الَّذِي الْأَشْيَاءُ مُبَايَعَةٌ النِّسَاءِ»^۲ لذت بخش‌ترین چیزها، مجامعت با زنان است.

اهمیت این غریزه تا بدانجاست که اسلام خلوت با نامحرم را حتی با مراعات همه موازین شرعی حرام دانسته است که خود نشان دهنده توجه اسلام به وجود این غریزه و خاصیت تحریک‌پذیری آن است. به همین

۱. الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰.

۲. همان، ص ۳۲۱.

۳. بوسف / ۲۸.